

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

متصدیان پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"

۱۳ اگست ۲۰۱۴

توضیحی مختصر خدمت همکار گرامی ما آقای «سدید»

همکار نهایت عزیز، آقای «سدید»!

سلام ها و احترامات صمیمانه ما را بپذیرید، جای بس مسرت است که بعد از مدتها دست و پنجه نرم کردن با مریضی های مزمن، اینک شما را باز هم به مانند گذشته در نگارش مطالب و ابراز عقیده تان توانمند می یابیم.

همکار نهایت عزیز!

از این که در نامه ای که عنوانی مسؤلان پورتال نگاشته بودید لطف نموده و از مواضع قاطع ما علیه ماشین دولتی حاکمیت دست نشاندۀ یاددهانی نموده بودید، سپاسگزاریم. واقعیت امر همین است که تعهد هر دو جانب یعنی پورتال و جنابعالی در شکستادن ماشین دولتی حاکمیت استعماری، پایه و مبنائی بوده که تا اینک همکاری بی شایه بین دو طرف بر آن استوار بوده است.

به یقین شما نیز به مانند تمام همکاران و خوانندگان متعهد و چیزفهم ما، حتماً متوجه شده اید که سیاست رهنمای پورتال حین همکاری با افراد و نهادها، متأثر از اصل «در اصول قاطعیت و در روش انعطاف» بوده و تا جایی که به ما بر می گردد در آینده نیز بدان پایبند خواهیم ماند. مگر یک نکته را باید بلافاصله بیفزائیم که نرمش در روش یا انعطاف در تکنیک، فقط تا زمانی می تواند برای ما مطرح باشد که انعطافات تکنیکی و یا همان نرمش در روش در تقابل با ستراتیژی و اصول قرار نگرفته نافی آن نگردد، چه در آن صورت اصل ایستادگی و پایداری در دفاع از اصول بر ما حکم می نماید تا جلو نرمش ها و انعطافات تکنیکی را گرفته، نگذاریم که علت وجودی ما را زیر سؤال ببرد.

هرگاه خواسته باشیم اصل بالا را به زبان دیگر بیان داریم، می توانیم بنویسیم:

پورتال علت وجودی خود را در اهداف نشراتی اش مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع، مبارزه به خاطر حصول استقلال کشور و تأمین آزادیهای دموکراتیک و روشنگری جهت چگونگی رسیدن مردم ما به ترقی و رفاه اجتماعی اعلام داشته است. لازمه تحقق چنین خط مشی، مبارزه بیدریغ علیه امپریالیزم و ارتجاع در تمام زمینه ها علیه نهاد هائیکه این دشمنان مردم آن نهادها را به منظور تداوم انقیاد و بردگی مردم و اشغال دایم کشور به وجود آورده اند، حال می خواهد این نهادها بخشهای قهر رژیم مستعمراتی را نمایندگی نماید و یا فریب آن را، در ماهیت قضیه فرقی وجود ندارد. در نتیجه وقتی فردی از همکاران هر آنقدر هم که به مانند جنابعالی قابل احترام باشند، این

اساسات را یا در واقع علت وجودی پورتال را نادیده بگیرند و ضمن نوشته های شان چه به صورت تلویحی و چه هم به صورت آشکار، قسمی قلمشان را به حرکت بیاورند که تأیید مستقیم و یا هم تلویحی حاکمیت دست نشاندۀ را برساند و یا به عبارت رساتر به حاکمیت دست نشاندۀ مشروعیت ببخشند، خط مشی اولی ما، از ما می خواهد تا علیه آن موقف گرفته با نوشتن چند سطر به مثابه یادداشت از موضع اداره پورتال همکار ما را از بیراهه ای که در آن روان است باز داریم، چنانچه در ذیل یکی از نوشته های جنابعالی که شرکت در پارلمان اداره مستعمراتی را به مردم توصیه می نمود، از حق خود استفاده کرده و یادداشتی را در ذیل آن افزودیم.

تجربه ۶ روز کم ۶ سال کار مستمر و بدون انقطاع نشراتی ما که در کل بیش از ۲۰ هزار مطلب را در زمینه های مختلف تقدیم خوانندگان عزیز پورتال نموده است، گواه بر آن است که این روش ما اگر عده ای همکاران افغان ما را ناراحت ساخته است، خوشبختانه تمام سازمانها و نهادهای مبارزاتی اعم از افغان و غیر افغان و جم غفیری از همکاران قلمی ما به خصوص همکاران ایرانی ما که با حق و حقوق ویراستار و ناشر بیشتر آشنائی دارند، از آن استقبال نموده، اگر سؤالی هم داشته اند و یا نیاز به توضیحی هم احساس می نمودند، بدون کدام رنجشی آن را مطرح نموده اند. همین تجربه و سیر تکاملی نوشته های همکاران پورتال در طی ۶ سال به ما حکم می کند تا بر خط و سیاست نشراتی پورتال پافشاری نموده، خلاف آن عده از سایت هایی که به نسبت هراس از جدائی همکارانش، حتا علت وجودی خویش را نیز نفی می نمایند، به کار خود ادامه دهیم.

امید تمام همکاران پورتال با درک موقعیت پورتال و علت وجودی آن، تفاهم خویش را از ما دریغ نورزند، البته این بدان معنا نیست که همکاران پورتال حق ندارند تا بر تبصره های پورتال تبصره ننوشته و یا آن را زیر سؤال نبرند. چه ما را عقیده بر آن است که همان حقی را که ما در بیان مطالب و مواضع خود داریم دیگران هم دارند و هیچ کسی حق ندارد جلو آزاد اندیشی افراد را گرفته و به دیگران فرمان براند که چگونه باید فکر نمایند.

محترم سدید صاحب!

از این که نوشته اید که شما هم خواهان درهم شکستن این ماشین دولتی هستید، مگر نخست می خواهید بدیل آن را بیابید و بعداً ماشین دولتی را بشکنید و مثالی هم ارائه داشته اید، با آن که برای ما نیز کاملاً روشن است که نباید در مثال مناقشه نمود، اما حین ارائه مثال نباید اصل اجتناب از «قیاس مع الفارق» را نیز نادیده گرفت. تا جایی که برداشت های ما اجازه می دهد دولت به مثابه یکی از پیشرفته ترین و مغلفترین پدیده های اجتماعی، هر گاه با پروسه زراعت مورد مقایسه قرار گیرد، در کلیت میتوان زمین را با آن معیار سنجش قرار داد. یعنی هرگاه دهقانی بخواد زمینی را برای کشت آماده سازد، صرف نظر از این که با کدام وسیله، تا زمین را به درستی قلبه و شخم نزده است و حتا در صورت شوره زار بودن زمین، بستر شوره را از بین نبرده است، هر نوع تخم پاشی از جانب وی چیزی کمتر از بلاهت تلقی نمی گردد.

به نظر ما هر ماشین دولتی به منظور برآورده ساختن اهداف خاصی به وجود می آید که طبقه و یا طبقات سازنده آن دولت به وسیله آن دولت سیادت طبقاتی خود را اعمال می نماید. در نتیجه وقتی از جانب اشغالگران، اداره ای در یک کشور اشغال شده به وجود می آید، هدف از ایجاد اداره خلاف تبلیغات امپریالیستی و تصور مشی خود فریب خدمت به مردم آن خطه نیست، بلکه هدف از ایجاد آن، تأمین و پاسداری از منافع نیروهای سازنده همان اداره، در کشور ما اشغالگران، می باشد. با در نظر داشت اصول مسلمی که در سطور بالا تذکار یافت، ماشین دولتی که محصول تجاوز امپریالیزم امریکا و شرکای آن بر افغانستان است، در بهترین صورت، یعنی هر قدر بی نقصتر و کاملتر باشد، به همان اندازه می تواند بیشتر منافع امپریالیزم و ارتجاع را تأمین و حراست نماید.

هرگاه اجازه داشته باشیم چنین ماشین دولتی را به یک خندق و یا باتلاق تشبیه نمائیم، مطمئناً شما نیز با ما هم عقیده خواهید بود که نه تنها شنا و آبیازی را نمی توان در باتلاق فرا گفت، بلکه امید اصلاح باتلاق و یا خشکاندن تدریجی آن را بر مبنای آب تنی و غسل ما، اگر به مرگ محتوم و فرو رفتن خود ما در آن باتلاق نینجامد، هیچ اراده نیکی نمی تواند مانع تبدیل ما به بخشی از آن باتلاق بگردد.

محترم سدید صاحب!

تجارب تاریخی تمام کشورهایی که با افغانستان کنونی مشابهت هائی داشته اند به صراحت نشان می دهد که برای درهم شکستن ماشین های زاده و حامی استعمار هیچ راه دیگری وجود نداشته است، مگر آن که ماشین دولتی کهنه را در هم شکسته و ماشین جدیدی بنیان گذاشته شود، که حافظ منافع نیروهای درهم شکننده ماشین کهنه باشد. به یقین شما می دانید که نه در هم شکستن می تواند پیرهن از تن در آوردن باشد و نه هم جایگزینی آن، تا قبل از دور ریختن پیرهن مندرس و چرکین، نخست پیراهن جدیدی ابتیاع گردد. تجربه نشان داده است تمام آنهایی که چنین اندیشیده اند و با نسخه های از قبل آماده شده خواسته اند، ماشین دولتی نقد و آماده را از بیرون با خود بیاورند، هیچ دستاوری بهتر از «تحفه بن» نداشته اند.

ما را عقیده بر آن است که به همان سانی که نابودی ماشین کهنه، فقط می تواند در طی یک پروسه طولانی و پر از رنج و تعب صورت پذیرد، پیدایش و جایگزینی ماشین جدید و بدیل سالم ماشین کهنه نیز صرف می تواند در بستر زمان و با خرد کردن جزء جزء ماشین کهنه امکان تحقق بیابد. در غیر آن به امید روز موعود نشستن و به خاطر نداشتن بدیل سالم، ماشین آلوده و انسانکش را تقویت نمودن و از مردم خواستن تا در تکمیل آن ماشین سینه سپر بسازند، چیزی شبیه فراگرفتن شنا در خندق و باتلاق است، امری که از قبل گفتیم بلاهتی بیشتر از آن نمی توان سراغ گرفت.

محترم سدید صاحب!

شما در قسمت دیگر نامه تان، با پورتال چنان برخورد نموده اید که گویا، ما یک سازمان سیاسی مبارزاتی بوده و هستیم که خود به صد پارچه منقسم شده در نتیجه نه توان به طرف وحدت بردن مردم را دارا هستیم و نه هم تا کنون در این زمینه کدام دست آوردی داشته ایم.

این که شما به چنین استنتاجی از کجا دست یافته اید، فقط از زاویه ای که جهت تصحیح آن اقدام بورزیم، می تواند ارزش باز کردن بحث آن وجود داشته باشد، ورنه همان طوری که یکی از متصدیان پورتال هم حضوراً و هم از طریق تلفون خدمت شما ابراز داشته است، نه تنها ما هیچ سازمان و نهادی را نمایندگی نمی نمائیم و به هیچ سازمان و یا نهادی تعلق نداریم بلکه از جمع متصدیان پورتال، فقط همان یک تنی که با شما چند بار تماس مستقیم داشته، دیگر هیچ یک از ما سابقه کار تشکیلاتی نداشته است، تا ناتوانی جنبش در تأمین وحدت دامن آن ها را آلوده نماید. عکس قضیه حتا در همان بستر مبارزه متشکل، همین که چند تن از افراد با بستر های مبارزاتی مختلف و چه بسا در گذشته ها، متضاد، اساس یک نشریه دموکراتیک را پی می ریزند و برای مدت ۶ سال با تمام فراز و نشیبی که احاد جنبش بدان دچار بوده است، با استواری تمام و بدون کدام فتور و ضعفی متناسب با اهداف تعیین شده، کار مبارزاتی شان را به پیش می برند، جای دارد از طرف آنانی که به قضایا می خواهند واقعبینانه برخورد نمایند، به مثابه الگو و سرمشق معرفی شوند نه این که با حربه نمایش شکست دیگران، کار مستقل آنها نیز زیر سؤال برده شود.

توقع ما از تمام دوستان و حتا دشمنان پورتال آن است که حین بررسی کار و عملکرد پورتال، ما را با آنچه مورد مؤاخذه قرار دهند که تعهد به انجام دادنش را نموده ایم. یعنی به مثابه یک نهاد نشراتی، سنجه اعمال ما را با آنچه

گفته ایم و کرده ایم، انجام دهند نه آنچه که دیگران می بایست می کردند و نکرده اند. در چنین ارزیابی، ما به صراحت گفته می توانیم که در بخشهای معینی به خصوص در زمینه های سیاسی، اعتقادی، ادبی- فرهنگی و تاریخی، ما نه تنها حاضریم عملکرد خویش را با کارنامه های صد ساله و حتا هزار ساله تمام قلم به دستان میهن مورد مقایسه قرار دهیم، بلکه از مقایسه با دولتها با تمام طول و عرض آنها در درازنای تاریخ نیز هراس نداریم. ما طی مدت ۶ سال بیشتر از ۸۵۰ مطلب در زمینه اعتقادی منتشر نموده ایم، چه در نفی اسلام و دین در کل و چه هم در نفی اضافاتی که از دید فقهای اسلامی شامل خرافات اند، من جمله حق و مکلفیت خروج از مذاهب، نادرستی اسقاط و امثال آن، دوستانی که می خواهند عملکرد ما را به ارزیابی بگیرند از آغاز تسلط اسلام تا اینک و از حکومت گذشته حتا دولت دست نشانده روسها، هرگاه قادر شدند به همین میزان مطلب حتا از لحاظ عدد و بدون در نظر داشت محتوا، نشان دهند، حاضریم به حرف شان تمکین نمائیم. این تنها عرصه اعتقادی نیست که هیچ نهادی نمی تواند کوس رقابت با پورتال را بنوازد، بلکه در عرصه سیاسی نیز ما با نشر بیش از ۵۶۰ مطلب ضد امپریالیستی صرف در همین ۷ ماه و ده روز سال ۲۰۱۴ به فرسنگها از آنانی که در خیال قصد رقابت با ما را دارند، فاصله داریم به همین سان در بحث های ادبی- فرهنگی و تاریخی.

از آن گذشته هرچند پراگندگی جنبش انقلابی افغانستان به صورت مشخص محصول کار ما نیست تا ما جوابگوی آن باشیم، مگر این حق را داریم بنویسیم که این پراگندگی هم از خود دلیل و دلایلی دارد و نباید بدون مطالعه آن دلایل از توان و ناتوانی این و آن صحبت به عمل آورد. چه تا زمانی که در جامعه، طبقات و منافع طبقاتی متضاد و متخاصم وجود دارد، تا زمانی که استعمار و ارتجاع به شدت می کوشند تا از درون جامعه به نفع خود سربازگیری نمایند و تا زمانی که عقب ماندگی فکری مردم و حتا روشنفکران چیز فهم و پرمدعای آن، تا بدان درجه شدید و تأثر آور است که بعد از سالها ایستادگی در یک موضع سالم، از امشب تا فردا به دنبال شنیدن صدائی چند از موی دم دجالان عصر، با حدت و شدت قیاس ناپذیری به دنبال آن راه افتاده، یکی مستقیم و یا هم غیر مستقیم سنگ اشرف غنی و آن دیگری عبدالله را به سینه زده، با ایما و اشاره می خواهند اداره مستعمراتی را مشروعیت ببخشند، در چنین شرایطی پراگندگی جنبش انقلابی نه تنها به مثابه بازتاب تضادهای موجود در جامعه، امر اجتناب ناپذیر است، بلکه می تواند به مثابه یک ضرورت حیاتی نیز مطرح باشد.

و آنهم بدان دلیل که وقتی اکثریت نهادهای مبارزاتی مدعی دفاع از استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی، سر در آستان امپریالیزم و ارتجاع هار مذهبی خم نموده، با شرکت در قدرت و به مثابه وزیر و وکیل می خواهند ماشین متعفن استعماری را صیقل بدهند، و یا از طریق ایجاد انجوها به پایه های تحکیم استعمار همت می گمارند، در چنین شرایطی وظیفه هر عنصر آگاه، انقلابی و میهنپرست است تا با چنان نهادهائی نه تنها قطع رابطه نماید، بلکه به منظور ساختن نهاد سالم و آنی که در جهت تأمین و حراست از منافع والای مردم گام برداشته بتواند، از تخریب لاشه های کهنه و برداشتن آنها از پیش پای جنبش نیز دریغ نورزد.

به نظر ما تقدس بخشیدن به امر وحدت و از آن طریق وحدت سازمانها و احزاب را مقدس دانستن، یکی از بزرگترین خطاهائیست که در مقاطع خاص و معینی می تواند، به دهها و صدها هزاران تن را به مواد باتلاق مبدل نماید.

محترم سدید صاحب!

همان طوری که برخی از دوستان و همکاران ما آقایان، «نذیری، نعیمی، امینی و پغمانی» قبلاً نگاشته اند و دوستان دیگری که انتقادشان به خاطر آن که لحن خشن و غیر دوستانه داشت، از انتشار باز مانده است، در اینجا

بحث روی سلامت و عدم سلامت انتخابات نیست تا ما به خود حق بدهیم که بین اشرف غنی و عبدالله به قضاوت بنشینیم، بلکه در اینجا اساس مسأله مشروعیت و عدم مشروعیت این نظام است.

از نظر ما همین که امپریالیزم قادر می گردد، کس و یا کسانی را در حمایت از این و یا آن و یا هم نفس پروسه انتخابات بکشانند، موفق عمل کرده و می باید علیه آن رزمید؛ همین که امپریالیزم قادر می گردد، امرخیل را به سمبول یک ملیت و یا قوم مبدل نموده از آن طریق بر تمام افتخارات آن قوم خط بطلان می کشد، موفق عمل کرده و باید علیه آن رزمید؛ همین که امپریالیزم قادر می گردد عبدالله قاتل و جاسوس چند جانبه را به مثابه نماینده تاریخی قوم تاجیک معرفی بدارد، موفق عمل کرده و باید علیه آن رزمید؛ !!!...

این رشته سر دراز دارد